

شهروند جهان

روز پنجشنبه روزی مهم برای دوستداران ادبیات بود. خیل روزنامه نگاران مثل سال‌های پیش پشت در سفید با حاشیه‌های طلایی که سخنگوی آکادمی نوبل ادبیات باید از آنجا بیرون می‌آمد...



جام جم آنلاین: روز پنجشنبه روزی مهم برای دوستداران ادبیات بود. خیل روزنامه نگاران مثل سال‌های پیش پشت در سفید با حاشیه‌های طلایی که سخنگوی آکادمی نوبل ادبیات باید از آنجا بیرون می‌آمد و نام برنده را اعلام می‌کرد دوخته شده بود. در سکوت دوربین‌هایشان را تنظیم می‌کردند و به در زل زده بودند.

سرانجام راس ساعت اعلام شده، ساعت 11 به وقت گرینویچ و 2/5 به وقت ما، در باز شد و انگلاند سخنگوی نوبل از در بیرون آمد. او با بیانیه خیلی کوتاهی که خواند به انتظار خیلی‌ها در سراسر جهان پاسخ داد. در همان اولین خط بیانیه که به زبان سوئدی قرائت شد او از ماریو بارگاس یوسا نویسنده پرویی یاد کرد و جمعیت حاضر در سالن این بار بدون گیج شدن درباره نویسنده معرفی شده، به احترام «# یوسا» که برای همه شناخته شده بود، دست زدند.

«# یوسا» سال‌هاست که به عنوان یکی از شایسته‌ترین چهره‌های ادبی جهان، در فهرست نویسندگانی قرار دارد که انتظار می‌رفت این جایزه را دریافت کنند. اما انتخاب‌های گاه عجیب آکادمی سوئد و بیش از همه توجه آنها به نویسندگان اروپایی، دیگر مشتاقان ادبیات آمریکایی لاتین را از شنیدن نام یوسا به یاس بدل کرده بود.

خود یوسا، نویسنده 74 ساله نیز ساعتی بعد در مصاحبه مطبوعاتی که در آن شرکت کرده بود گفت از شنیدن نام خودش غافلگیر شده است. درست مثل دوستدارانش.

یوسا متولد سال 1936 در شهر آرکوپای پرو است. اما بسیاری از دوستداران ادبیات او را بیش از این که شهروند این کشور بدانند به عنوان یک نویسنده اسپانیایی زبان می‌شناسند و ادبیات یوسا دقیقاً همانطور که او در این مصاحبه بیان کرد ادبیاتی جهانی است. او درباره نظرش نسبت به ادبیات گفت «# ادبیات حتی اگر ریشه‌هایی قوی در یک منطقه داشته باشد، باید جهانی باشد. ادبیات نباید جداافتاده، استانی یا محلی باشد». و این دقیقاً همان ویژگی‌های ادبیات یوسا است که آکادمی سخت‌گیر نوبل را واداشت تا او را انتخاب کنند.

سخنگوی نوبل درباره آثار یوسا در حالی که نوشته‌های او را با ویکتور هوگو نویسنده بزرگ اجتماع‌گرای فرانسوی مقایسه می‌کرد، گفت: «# یوسا نویسنده‌ای است که دلمشغولی‌اش جامعه است... او بر این باور است که وظیفه اصلی یک نویسنده سرگرم کردن خواننده نیست؛ بلکه باید به خواننده راه را نشان بدهد، حقیقت را بگوید؛ سوال کند، و وجدان آگاه جامعه باشد.»

و این دقیقاً نظر یوساست. به نظر او «# یک قصه خوب قصه‌ای است که بتواند فاصله میان اثر و خواننده را از بین ببرد. ادبیات به زندگی کمک می‌کند و شکاف‌ها و کمبودهای زندگی را با تخیل و ابداع پر می‌کند. نوشتن نوعی آزادی بیان است. باید به کسانی که ادبیات را تفنن و تفریح می‌دانند؛ بگویم که سخت در اشتباه‌اند، چرا که ادبیات مسوولیت‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی و زیبایی‌شناسی را بر دوش دارد.»

برای همین یوسا در آثارش از دردی مشترک می‌گوید و معتقد است داستان و رمان می‌تواند به مردم جهان کمک کند تا جهان را بشناسند. و جهان نیز از او تقدیر می‌کند. او مردی است که دو سال پیش برای 50 سال نوشتنش در گوشه و کنار دنیا مراسم متعددی برگزار شد و از این تلاش خستگی ناپذیر او تقدیر به عمل آمد. او همواره برای انتشار رمان‌هایش که اعتباری بین‌المللی دارند و در گستره وسیعی موجب ارتقای سطح هنر و بشریت شده‌اند، تقدیر شده است.

دغدغه یوسا کل آمریکایی لاتین و حتی جهان است. «# جنگ آخر زمان» او در برزیل می‌گذرد و «# سوریز» در جمهوری دومینیک. در جدیدترین کتابش با عنوان «# رویا سلت» که به زودی منتشر می‌شود هم او به سراغ کنگو رفته و از مبارزات یک ایرلندی برای رهایی این کشور از بار استعمار بلژیک سخن گفته است.

به نظر او مرزهای جغرافیایی آمریکایی لاتین مصنوعی هستند و مردم همه این کشورها تاریخ یکسانی را پشت سر گذاشته‌اند که برایشان مشکلات، سنت‌ها، افسانه‌ها، زبان و فرهنگ مشابهی را به جای گذاشته است. برای همین سنت‌های سیاسی این کشورها هم مشابه هم است و حتی آدم‌های معمولی جامعه هم درگیر سیاست هستند.

به همین دلیل او در دهه‌های گذشته به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و ماجراجوترین نویسندگان جهان مطرح بوده و ترکیبی پیش‌بینی ناپذیر از ادبیات و وجدان اجتماعی را در زندگی و کارهایش ارائه کرده و حتی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری مورد توجه قرار گرفت و در سال 90 رسماً نامزد این مقام شد. اما او این انتخابات را به یک معلم ریاضی به نام آلبرتو فوجی موری باخت. هر چند خیلی طول نکشید که کار این مرد به رسوایی کشید و راهی زندان شد.

این نویسنده 74 ساله خود را نویسنده‌ای انتقادی می‌داند که نسبت به هر چیزی که در آن تعصب و محافظه‌کاری وجود داشته باشد، واکنش نشان می‌دهد. با این حال برای او ادبیات بر سیاست مقدم است و هرچند می‌گوید در بسیاری از موارد شعر و رمان آمریکایی لاتین به عنوان ابزاری سیاسی به کار رفته و زیبایی‌شناسی و هنر آن فدای پیامش شده است، اما خود او هرگز در این وادی رها نشده است.

همین ویژگی‌هاست که او را شایسته دریافت جایزه نوبل می‌کند و ارزیابی آکادمی نوبل از آثار او چنین بیان می‌شود:

«کتاب‌های او اغلب بسیار پیچیده و تلفیقی از عناصر مختلف هستند و چشم‌اندازهای مختلفی را ارائه می‌کنند، و با صداهایی متفاوت در زمان‌هایی متفاوت می‌گذرند... او همه اینها را به روشی نو انجام می‌دهد و به گسترش هنر روایت کمک کرده است.»
یوسا سبک‌های متنوعی را آزموده و در آثار متعدّدش که سر به 30 عنوان می‌زند، به سراغ موضوع‌هایی از طیف‌های مختلف رفته و از کم‌دی تا تحلیل واقعی سیاسی را تجربه کرده است.

او گفته است: «بیشتر به ادبیات واقع‌گرا گرایش دارم و سال‌ها در جستجویش بوده‌ام و آن را نزد نویسندگانی چون فلور، داستایوفسکی، تولستوی و بالزاک یافته‌ام. همچنین در خود داستان چیزی که بیشتر برایم ارزش دارد، عناصر راوی و زمان است. راوی مهم‌ترین شخصیت است، چون تمام اتفاقات و نحوه رخ دادن آنها در زمان به او وابسته است.»

داستان‌های یوسا بر بستری تاریخی استوار است، اما آثارش ادبیات ناب است نه کتاب تاریخی. برای او تاریخ محلی است که می‌توان مشکلات انسان را با آن بیان کرد. در کتاب «سور بز» در حالی که او از دیکتاتوری دومینکن سخن می‌گوید، از سبکی بی‌نظیر برای روایت داستان استفاده می‌کند و در عین حال چنان به تحلیل شخصیت‌های مثبت و منفی‌اش دست می‌زند، که برای هر یک از شهروندان جهان، این کتاب تحلیلی ملموس و شخصیت‌ها باورپذیر هستند.

او در رشته حقوق و ادبیات در لیما و مادرید تحصیل کرده و با نوشتن رمان «دوره قهرمان» در سال 1963 به عنوان یک نویسنده شناخته و به رهبر موج نوي آمريکاي لاتين بدل شد. در این رمان او از تجربیاتش در مدرسه نظامی لئونچیو پرادو سخن گفته بود و هرچند با این رمان برنده جایزه منتقدان اسپانیا شد، اما حکومت نظامی پرو هزاران نسخه از این کتاب را با حمایت نظامی‌ها سوزاند و او را کمونیست خواند.

در سال 1995 یوسا برنده جایزه سروانتس شد که مهم‌ترین جایزه برای زبان اسپانیایی است. او نخستین برنده آمریکایی جنوبی جایزه 1/5 میلیون دلاری نوبل ادبی پس از گابریل گارسیا مارکز است که این جایزه را در سال 1982 برده بود و نخستین برنده اسپانیایی زبان پس از «اکتاویو پاز» مکزیکی در سال 1990 محسوب می‌شود.

یوسا هیچگاه از سیاست خسته نمی‌شود. او هیچوقت بدبین نیست و با بدبینی که در روشنفکران و فعالان در کشورهای تحت سلطه دیکتاتوری رسوخ می‌کند، مخالف است. او معتقد است وقتی طبقه متوسط جامعه دچار انفعال شود، کارایی‌اش را در انجام کارها و تغییر دادن محیط از دست می‌دهد.

رابطه بین رئیس‌جمهور پرو آلن گارسیا و ماریو بارگاس یوسا نیز نشان‌دهنده همین روحیه خستگی‌ناپذیر است. گارسیا در حالی با شادی برای یوسا پیام تبریک فرستاد و گفت: «این یک روز بزرگ برای پرو و عملی بزرگ و عادلانه در حق یوسا است» که او یک ماه پیش رئیس‌جمهور پرو را به سختی شماتت کرده بود و تصویب یک قانون جدید را که کشتارگران 2 دهه جنگ داخلی را می‌بخشید، نقض حقوق بشر خوانده بود. با اعتراض یوسا، رئیس‌جمهور این قانون را دوباره به کنگره برد و کنگره تصویب آن را رد کرد. او اخیراً با حمایت خود موجب ساخت موزه‌ای به یاد نزدیک به 70 هزار مردم سرزمینش شد که در جنگ‌های داخلی 20 ساله کشته شدند.

یوسا همیشه در سفر است و بخشی از سال را در اسپانیا و بخشی از سال را در پرو - کشورش - می‌گذراند. با این حال او به عنوان استاد مهمان این ترم در دانشگاه پرینستون نیوجرسی نیویورک حضور دارد و برای دانشجویان از ادبیات می‌گوید. او در مصاحبه‌اش گفت: خودم را شهروند جهان می‌دانم و فکر می‌کنم این مساله به خوبی دیدگاه من را نسبت به جهان نشان می‌دهد و همچنین نظر من را نسبت به آنچه ادبیات باید باشد.»

او هنوز به طور منظم برای روزنامه ال پاییس اسپانیا مطلب می‌نویسد و یادداشت‌ها و مقاله‌هایش در نشریه‌ها و مجله‌های معتبر دنیا چاپ می‌شود. او خستگی‌ناپذیر است و برای نوشتن جدیدترین رمانش «روبیای سلنی» سفری به کنگو کرد و به روستاهای دورافتاده رفت تا با زندگی واقعی مردم روبه‌رو شود.

یوسا وقتی خیلی جوان بود با جولیا ارکیدای که بسیار از او مس‌تر بود ازدواج کرد. این ازدواج که الهام بخش او برای نوشتن داستان «عمه جولیا» شد پس از 9 سال به جدایی انجامید. او در سال 1965 با دختر عمویش ازدواج کرد و دارای 3 فرزند است.

تایم، تلگراف، گاردین / مترجم: آرزو پناهی